

حاکمیت ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک

پیش گفتار

شی جین پینگ رئیس جمهور چین چهارشنبه ۷ دسامبر ۲۰۲۲ وارد ریاض شد و روز بعد مذاکرات خود با سران عربستان را آغاز کرد. در پایان دیدار «شی جین پینگ» و پادشاه عربستان، توافقنامه شراکت استراتژیک جامع بین دو کشور را امضا کردند. بیانیه های مشترک این دوکشور چه دوستی و چه اقتصادی مربوط به خودشان است ولی اگر در یک بیانیه سیاسی نسبت به منافع سیاسی کشور سوم تصمیم گیری شود این تصمیم گیری از دیدگاه حقوق بین الملل باطل است و کاربرد اجرایی ندارد و کشور سوم وظیفه دار است از منافع خود به هر ترتیب ممکن دفاع کند. در بند ۱۲ تفاهم نامه چنین آمده است:

«رهبران از تلاش های مسالمت آمیز شامل ابتکارها، پیشنهادهای امارات برای رسیدن به راهکار صلح آمیز برای حل مسئله سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، از راه مذاکرات ۲ جانبه بر مبنای قوانین بین المللی حمایت می کنند.»

چون کشور ایران به بلای ایرانسوز تراز وبا و طاعون یعنی آخوند زدگی و حکومت ارازل و اوباش و وحوش انسان کش و کودک کش بنام جمهوری اسامی ولایت فقیه گرفتار است و چند جریان مافیایی و رانت خوار آنرا میچرخانند و فاقد ساختار اداری یکپارچه برای دفاع از منافع ملی ایران و ایرانی است، از این رو وظیفه هر ایرانی میهن پرست است که در حد توان خود با روشنگریها و هرکنش لازم از حاکمیت این بخش کوچک ولی بسیار مهم از دید استراتژی برای اعمال حاکمیت ایران در خلیج فارس دفاع کند.

بر این پایه و در اجرای دیدگاه دوستان در نشستهای نگهبانان نهاد شاهنشاهی به گردآوری اسناد و مدارک و نوشتارهای در این زمینه پرداخته و چکیده آن را در زیر آورده ام. با این آرمان که نخست دیگر دوستان و گرامیان در برطرف کردن کاستیهای آن بکوشند و دیگر آنکه شایسته بهره گیری در راستای حفظ منافع ایران و ایرانی باشد

اهمیت استراتژی خلیج فارس

موقعیت جغرافیایی جزایر سه گانه

جزیره **تنب بزرگ** تنب، واژه ای تنگستانی به معنای «تپه» است

این جزیره با وسعت ۱۲ کیلومتر مربع از زمان پسگیری از سوی نیروی دریایی شاهنشاهی و ارتش ایران در سال ۱۹۷۱ پایگاهی بوده است مطلقاً نظامی و هر کشوری که این جزیره را در اختیار داشته باشد بر خلیج فارس مسلط خواهد بود. در سال ۱۹۷۸ ایران که با تصرف عدوانی و با برنامه ریزی بیگانگان بویژه از سوی کارتر حقه بازتر و خدعه و تزویر گرتتر از خمینی، ایران

«بی سرو سرور) شد از سوی اشغالگران و متصرفان عدوانی تمامی ایران از جمله این جزایر غنیمت جنگی و متعلق به امام غایب ولی در واقع متعلق به امام!!! حاضر خمینی گجستک شد. و این جزیره مانند گذشته بصورت نظامی و پادگانی باقی ماند.

جزیره **تنب کوچک** بوسعت ۲ تا ۲/۵ کیلومتر، کوهی است بیشتر سنگی و هرمی شکل و غیرقابل سکونت دائمی. تنها نظامیان برای حفاظت آن به گشت زنی میپردازند. بافاصله کمی که با تنب بزرگ دارد یعنی ۱۳ کیلومتر. در اختیار داشتن آن برای تنب بزرگ حیاتی است.

جزیره **ابوموسی** به عنوان جنوبی‌ترین جزیره ایران در خلیج فارس در ۲۲۲ کیلومتری بندرعباس، در ۷۵ کیلومتری بندر لنگه و در ۶۰ کیلومتری شمال شارجه واقع شده است. فاصله جزیره ابوموسی از تنگه هرمز، ۱۶۰ کیلومتر است. این جزیره دارای ارتفاع متوسط از سطح دریا معادل ۴۶ متر بوده و بلندترین نقطه آن کوه حلوا با ارتفاع ۱۱۰ متر است.

جزیره ابوموسی همراه با جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک، سیری، فرور بزرگ و شهرستان ابوموسی را تشکیل می‌دهد و در استان هرمزگان قرار دارد.

بوموسی نامی است کاملاً ایرانی که در نقشه های جغرافیایی قرون گذشته به همین نام و هم‌رنگ خاک ایران است. گفته میشود این نام برگرفته از نام یکی از سرداران کریم خان زند است که پس از حضور در این جزیره نام خود را بر آن نهاده است. انگلیسی‌ها پس از نفوذ در خلیج فارس به منظور کنار گذاشتن عناصر ایرانی از این جزیره عنوان «ابوموسی» را برای جزیره به کار بردند



استقبال شیخ محمد القاسمی، حاکم شارجه از فرماندهان ارتش ایران در ناو آرتمیس در روز بازگشت جزایر تنب و بوموسا به ایران - آذر ۱۳۵۰/۱۹۷۱

موقعیت جغرافیایی جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی

اهمیت این جزایر با مساحت کمتر از ۲۵ کیلومتر مربع بعلت واقع شدن در خلیج فارس است. خلیج فارس به مثابه يك منطقه ژئوپلیتیک و محل اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا، بزرگترین منابع نفتی را دارد و هر منطقه‌ای در این خلیج فارس دارای اهمیت فوق‌العاده شده است.

خلیج فارس محل اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا می‌باشد که در وراي آن، سه سرزمین ایران، هند و چین قرار گرفته‌اند، هرچند در گذشته این آبراه بیشتر از حیث ارتباطات و راه‌های مواصلاتی دارای ارزش و اعتبار بود، اما در سال‌های بعد، به‌ویژه پس از کشف نفت و گاز در این منطقه، اهمیت آن ابعاد جدیدتری به خود گرفت. پس از جنگ جهانی دوم و ظهور جهان دوقطبی که يك قطب آن بسیار نزدیک به این خلیج بود، بر اهمیت آن - به‌ویژه در نگاه قطب رقیب - افزوده شد. محمد رضاشاه پهلوی که پادشاهی ایرانگرا و میهن پرست و مانند رضاشاه بزرگ ناسیونالیست واقعی بود و تمام اقتدار خود را برای پیشبرد ایران و ایرانی بکار میبرد، بارها به ایرانیان و جهانیان یادآور شد که صلح و امنیت جهانی بستگی به امنیت خاورمیانه دارد که خود درگروی امنیت خلیج فارس است.

در بیشتر پژوهش‌ها اهمیت بخشی به خلیج فارس در رابطه با ذخایر نفت و گاز یاد شده در بالاترین تعریف می‌شود. خلیج فارس حدود ۶۵ درصد از کل ذخایر شناخته‌شده نفت جهان را در اختیار دارد. همچنین ۳۰ درصد مجموع ذخایر گاز طبیعی جهان نیز در این منطقه واقع است. جالب آن‌که بیشتر این ذخایر نه در خشکی بلکه در بستر خلیج فارس قرار دارد. به دلیل وجود ذخایر عظیم انرژی در خلیج فارس آن را انبار نفت جهان می‌نامند و دقیقاً به همین دلیل است که خلیج فارس نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد جهان و به‌ویژه کشورهای صنعتی به خود گرفته است؛ چراکه بی‌هیچ تردیدی اقتصاد و صنعت کل جهان - به‌ویژه کشورهای پیشرفته - تا این تاریخ شدیداً وابسته به منابع انرژی و از همه مهم‌تر نفت می‌باشد. یکی دیگر از دلایل اهمیت خلیج فارس را باید در وجود يك بازار کالا و تجهیزات نظامی بزرگ در این منطقه جست‌وجو کرد.

کشورهای حاشیه خلیج فارس با چیزی بیش از یکصد میلیون نفر جمعیت و درآمد سرشار نفتی، یکی از مهم‌ترین بازارهای خرید کالا و تجهیزات نظامی غرب و شرق محسوب می‌شوند، در واقع خلیج فارس دریای نیمه بسته‌ای است که تنگه هرمز کلید آن می‌باشد. آلبو کرک، دریادار و کاشف معروف پرتغالی در اقیانوس هند، معتقد بود که هر دولتی سه تنگه باب‌المنذب، هرمز و مالاکا (در اسپانیا) را در اختیار داشته باشد، در حقیقت بر دریاهای جهان مسلط خواهد بود. آشکار است که تنگه هرمز اصلی‌ترین و عمده‌ترین راه ارتباطی کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس با جهان خارج می‌باشد. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس به لحاظ صادرات نفت و واردات کالا شدیداً وابسته به تنگه هرمز هستند.

از سایر کشورهای منطقه که بگذریم، خلیج فارس و تنگه هرمز برای ایران نیز از اهمیت خاصی برخوردارند، هرچند تا پیش از کشف نفت در جنوب ایران در اوایل قرن بیستم دولت ایران توجه چندانی به خلیج فارس نداشت، اما پس از آن و بتدریج با افزایش صادرات نفت و وابستگی کشور به درآمدهای حاصله از آن، این منطقه در نگاه حاکمان ایران ارزش و مقام خاصی یافت. به زبان ساده‌تر می‌توان گفت در حال حاضر بیشتر شئون سیاسی و به‌ویژه اقتصادی کشورمان با

خلیج فارس و تنگه هرمز گره خورده است. در مقایسه با سایر کشورهای منطقه نیز بهروشنی این نکته استنباط می‌شود که ایران نسبت به این کشورها از موقعیت ژئوپلیتیکی حساس‌تری برخوردار است. از لحاظ نظامی و جمعیتی نیز ایران نسبت به دیگر کشورهای منطقه جایگاه بالاتری دارد؛ چنانکه به تنهایی شصت درصد کل جمعیت منطقه را در خود جای داده است. اهمیت این جزایر در آنست که برای تسلط بر خلیج فارس و تنگه هرمز باید این سه جزیره را در اختیار داشت. بویژه آنکه کشتیهای نفت کش بزرگ تنها از محدوده باریکی بین تنب بزرگ و جزیره ابوموسی می‌توانند عبور کنند.



حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه

۱- تاریخچه حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک ریشه در دوره پادشاهی‌های ایلامی، ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی دارد. در این دوران نظم و امنیت ایرانی بر سراسر پهنه آبی خلیج فارس و جزایر آن حاکم بود. جزایر سه‌گانه در سال ۱۹۴۸ به‌طور کامل تحت اشغال امپراتوری بریتانیا به عنوان قیم رسمی **امارات متصالحه** درآمد اما تا سال ۱۹۷۱ هیچ‌یک از دولت‌های وقت ایران این اشغال را نپذیرفته و ابوموسی به همراه تنب بزرگ و تنب کوچک در تقسیمات کشوری ایران قرار داشتند.

۲- پیشینه مناقشه با استعمار بریتانیا

در سال ۱۹۷۱ انگلستان به انگیزه وضع اقتصادی نامناسب جهانی و کاهش شدید ارزش پوند که قادر به تأمین هزینه‌های نظامی در خلیج فارس نبود و فشار حزب گارگبرای کاهش هزینه‌های دفاعی و پیروزی این حزب تصمیم به خروج از خلیج فارس گرفت. از این رو پس از توافق ایران و بریتانیا و پیش از خروج نیروهای نظامی بریتانیا از منطقه و تأسیس کشور امارات متحده

عربی، ابوموسی به همراه تنب بزرگ و تنب کوچک پس از نزدیک به ۷۰ سال شکایت‌های مداوم دولت ایران علیه اشغال‌گری بریتانیا سرانجام به ایران بازگردانده شد.

ولی امارات متحده عربی با همراهی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس اصرار بر مالکیت این جزایر را دارد که بیانیه‌هایی هم از سوی اتحادیه عرب برای حمایت امارات منتشر شده است که حکومت مرکزی ایران این بیانیه‌ها و ادعاها را بی‌اساس می‌خواند و دلیل دارد که با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی و قواعد بین‌المللی این جزایر متعلق به ایران است. این جزایر به دلیل همجواری با بخش عمیق خلیج فارس و اشراف بر تنگه هرمز که شاهراه حیاتی اقتصادی جهان به‌شمار می‌رود، اهمیت بالایی برای کشورهای حوزه خلیج فارس و جهان دارد.

۲- تاریخچه حاکمیت ایران بر این جزایر

شغل اصلی ساکنان مناطقی که امروز به نام امارات متحده عربی نامیده میشوند ماهیگیری و کشتی زنی بود. انگلستان در اجرای برنامه‌های استعماری خود و برقراری امنیت دریاها را که متعلق به خود میدانست برای قلع و قمع این اهالی که منطقه خلیج فارس و بحر عمان و بویژه اقیانوس هند را ناامن ساخته بودند تصمیم به نبرد با این جنگ سالاران ساحل دزدان دریایی می‌گیرد و سواحل دزدان دریایی یعنی شارجه و رأس الخیمه را به تصرف خود در می‌آورد. و بر اساس قرارداد ۱۸۱۹ بریتانیا برای آن‌ها پرچمی و علامت ملی و مهر درست کرد و آن‌ها را تحت حمایت (مستعمره) انگلستان درآورد.

با تضعیف دولت مرکزی ایران پس از جنگ‌های ایران و روس و جنگ‌های انگلستان و ایران، جنگ هرات و مرو، نیروهای استعماری بریتانیا به تدریج به سوی سواحل ایران نیز چشم طمع دوخت و جزایر کیش و خارک و بوشهر را مورد تهدید قرار داد و جنگ خوشاب ۱۸۵۷ روی داد. علی‌رغم بهبود روابط، مناقشه درباره جزایر باقی ماند.

۳- اسناد و مدارک

اسناد و مدارکی که ایران در سال‌های ۱۸۸۷ تا ۱۹۰۳ مبنی بر اعتراض به اشغال جزایر لاوان و... خلیج فارس به بریتانیا ارائه می‌نمود عبارت بودند از:

۱- یادداشت اعتراضی سال ۱۸۴۰ صدر اعظم ایران و ممالک محروسه حاجی میرزا آقاسی: «همه جزایر خلیج فارس متعلق به ایران است و انگلستان حق دخل و تصرف در آن ندارد».

۲- عهدنامه کوتاه ۱۸۰۹ میلادی و گسترده ۱۸۱۲ میلادی دو قرارداد میان ایران و انگلستان دریای خلیج فارس را دریایی ایرانی دانسته و بیان شده بریتانیا پیش از استقرار در هر نقطه از این دریا باید از ایران اجازه بگیرد.

۳- همه دنیا دریا را به نام خلیج فارس می‌شناسند یعنی این که جزایر آن متعلق به مملکت فارس است کما اینکه در قدیم‌الایام هم ایرانی بوده است.

• پاسخ بریتانیا: جزایر هنگام اشغال توسط بریتانیا بدون صاحب بوده و مطابق قاعده حقوقی اختراعی و یکطرفه استعماری انگلیس تقدم در مالکیت سرزمین بدون صاحب، متعلق به کشوری است که آن را تصرف کند.

- پاسخ ایران: جزایر مسکونی بوده اتباع آن ایرانی هستند، آن‌ها برای خرید و معاملات و رفع دعاوی و ارسال شکایت‌های بین قبیله‌ای به نماینده فارس در بندر لنگه و بوشهر مراجعه می‌کرده‌اند و می‌کنند؛ و رعیت (شهروند) ایران هستند (در آن زمان شناسنامه نبود). نقشه‌های رسمی و مکاتبات شیوخ موید این موضوع است.
- نامه سرپرسی لورن سفیر انگلیس به وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در اعتراض به اینکه چرا دولت ایران در امور جزایر ابوموسی و شیخ شعیب دخالت می‌کند که جزو قلمرو شیخ شارجه است. مصدق وزیر امور خارجه وقت ایران این اعتراض را رد و بر حاکمیت ایران تأکید کرد.
- برافراشته شدن پرچم ایران در جزایر سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۰۴ و از نو از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۱ به‌طور پیاپی.
- ۸۰ مورد شکایت و پانویس اعتراضی ایران علیه اشغال جزایر.
- شکایت به جامعه ملل (سازمان ملل آن دوره)
- تهدید ایران به شکایت به کمیته استعمارزدایی سازمان ملل برای استعمار زدایی از جزایر ایرانی سال ۱۹۶۶
- بریتانیا به ایران اعلام کرد: نیاز به شکایت یا به توسل به زور نیست و امکان رسیدن به توافق با رضایت طرفین وجود دارد.
- رضایت انگلستان برای خروج از مستعمرات در خلیج فارس و برگرداندن جزایر به ایران.
- وساطت بریتانیا برای جلب رضایت ایران درباره محترم شمردن استقلال شیخ نشینان خلیج فارس و همکاری و مساعدت ایران با آنها.
- مخالفت شدید دولت شاهنشاهی ایران و شخص محمد رضا شاه پهلوی با تشکیل امارات عربی متحده قبل از برگشت کامل سه جزیره به ایران
- وساطت بریتانیا برای بستن توافق‌نامه برای انجام ترتیبات برگشت جزایر به ایران و تشکیل دولت جدید امارات در خلیج فارس.
- سفر خالد رئیس شارجه و صقر رئیس راس الخیمه به ایران و تقاضای کمک مالی در قبال برگشت دادن جزایر سه‌گانه به ایران.
- رد قاطعانه خواسته صقر (ناصریست بود) از سوی ایران درباره واگذاری تنب بزرگ و تنب کوچک به ایران در قبال دریافت پول. بریتانیا نیز درباره برگرداندن تنب‌ها به ایران هیچ اعتراضی نکرد و فقط تلاش کرد که درباره بوموسی امتیازاتی بنفع شیوخ از ایران بگیرد.
- در نتیجه ایران رضایت داد به دادن کمک مالی سالانه یک و نیم میلیون پوند به امیر شارجه برای توسعه و عمران شیخ‌نشین شارجه.
- اعطای سه فقره چک به همین مبلغ برای سال ۱۹۷۱ از سوی وزارت خارجه ایران پس از امضای توافقنامه همکاری و ترتیبات برگشت جزایر به ایران میان ایران و ویلیام لوس میانجیگر بریتانیایی.

- ایران این یاد داشت تفاهم را فقط ترتیبات موقتی برای برگشت بوموسی می‌دانست و هویدا فردای آن در پارلمان اعلام کرد: «جزایر سه‌گانه امروز به‌طور کامل به مام میهن برگشت و ما به هیچ چیز کمتر از حاکمیت کامل ایران بر سه جزیره رضایت ندادیم». از طرف دولت ایران طی یاد داشتی به دولت بریتانیا اعلام کرد تفاهم نامه و ترتیبات را می‌پذیرد اما هیچ گونه محدودیتی را برای اعمال (حاکمیت) ایران نمی‌پذیرد.
- ویلیام لوس میانجی گر بریتانیا و کشورهای عربی به این یادداشت و بیانیه اعتراضی نکردند.
- به موجب تفاهم نامه، ایران قبول مساعدت کرد که، سالیانه یک و نیم میلیون لیره به شیخ شارجه بپردازد تا زمانی که آن کشور از کمک مالی برای توسعه زیر ساختها بی‌نیاز شود.
- درباره جزایر تنب کوچک و تنب بزرگ که در بالای خط میانه خلیج فارس قرار داد ایران بر اساس حقوق بین المللی دریاها آنها را بدون نیازه تفاهم نامه متعلق به خود میدانست و به پذیرش هیچ گونه شرط یا همکاری با رأس‌الخیمه نشد و اعلام کرد:

به زور و یا با رضایت جزایر به ایران بر خواهد گشت.

- صرف نظر از سوابق تاریخی حاکمیت ایران- انگلستان نیز پذیرفته بود که این دو جزیره در داخل حوزه قلمرو و صلاحیت دریایی ایران قرار دارد (دنیس رایت و اسدالله علم). بنابراین انگلستان نتوانست درباره برگردان تنب‌ها هیچ گونه عذر و بهانه و شرطی بترشد و بدون هیچ گونه شرطی دو تنب به ایران برگشت داده شد.
- حاکمیت ایران بر این جزایر در کتابها، اسناد تاریخی، نقشه‌های جغرافیایی و به خصوص در اسناد رسمی، گزارش‌های اداری و پانویس‌های وزارت خارجه و دفتر امور هندوستان در انگلستان در خلال قرن‌های ۱۷ و ۱۸ و بخش اعظم قرن ۱۹ و در اسناد و نقشه‌های روسیه و آمریکا نیز منعکس شده است.

۴- نقشه های جغرافیایی

از میان نقشه‌های رسمی و نیمه رسمی می‌توان به چند نمونه زیر اشاره کرد:

- در نقشه‌ها و کتاب‌های وزارت دریاداری انگلستان تحت عنوان «راهنمای دریایی خلیج فارس».
- در «نقشه اداره جنگ» انگلستان ۱۸۸۷ و نقشه سال ۱۸۸۶- اداره امنیت بریتانیا که توسط سر ادmond وولف از طرف ملکه انگلستان به ناصرالدین شاه هدیه داده شده است؛ و نقشه لرد کروزن از ایران مورخ ۱۸۹۲ و نقشه مورخ ۱۸۹۷
- نقشه شرح وضعیت دریانوردی در خلیج فارس که در سال ۱۷۸۶ توسط جان مک کلنور تهیه شده است.
- پانویس‌های جغرافیایی مربوط به شاهنشاهی ایران که جی.ام. کیز مشاور سیاسی سرجام ملکم سال ۱۸۱۳ به چاپ رسیده است.
- نقشه وزیر مختار بریتانیا در هند، کاپیتان سی.بی.اس. سنت جان در سال ۱۸۷۶

نقشه سال ۱۸۹۷ رنگی ایران توسط دفتر نقشه‌برداری اداره امور خارجی هند (بریتانیا) در همه این نقشه‌ها جزایر تنب و بوموسی به رنگ قلمرو اصلی ایران است.

۵- اداره جزایر

گذشته از دوره‌های مختلف تاریخی از سال ۱۳۴۶ تا ۱۵۰۰ میلادی تمامی جزایر و سواحل خلیج فارس تحت حکومت سلطان هرمز بود که خود تابع حکام فارس یا کرمان محسوب می‌شد. در دوره استعمار مدت کوتاهی حاکمیت مؤثر ایران بر جزایر تحت‌الشعاع قرار گرفت اما ایران هرگز حاکمیت خود بر این جزایر را به هیچ دولتی تفویض نکرده است.

مأموران ایرانی در طول سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۱ بارها به صورت علنی یا مخفی به جزایر سرکشی می‌کردند و تحرکات انگلیسی‌ها را گزارش می‌کردند به‌خصوص درباره معدن خاک سرخ ابوموسی و عملکرد چراغ‌های دریایی.

در دوره ۲۲ نوامبر ۱۹۵۴ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۵۵ سواحل ایران در خلیج فارس به صورت فرمان‌داری کل بنادر و جزایر خلیج فارس سازمان دهی شد. طبق طرح تقسیمات اداری جدید، تنب بزرگ جزء بخش قشم قرار گرفت که خود قسمتی از حوزه بندرعباس محسوب می‌شد و جزایر تنب کوچک و ابوموسی به بخش جزیره کیش اختصاص یافت. البته ابوموسی در تابستان ۱۹۵۸ در بخش کیش ادغام شد. در این موارد، دولت بریتانیا هیچ اعتراضی نکرد

۶- اشغال جزایر از سوی پرتغالیها

امپراتوری پرتغال اولین امپراتوری استعماری جهان است. اولین امپراتوری فرا قاره‌ای دنیا است که به دلیل برخورداری از کشتی‌های بزرگ بادبانی قادر بوده‌است در قاره اروپا- غرب آفریقا- شرق آفریقا- آسیا- آمریکای لاتین استقرار پیدا کند. اولین استعمارگران مسیحی هستند که در جنوب ایران و در جزایر خلیج فارس (هرمز) مستقر شدند. . . طولانی‌ترین استعمارگر مدرن برای ۶ قرن حضور استعماری از ۱۴۱۴ تا ۲۰۰۲ که به آخرین مستعمره خود تیمور شرقی استقلال داد. دریانوردان پرتغالی ابتدا در سال ۱۴۱۹ سواحل غرب آفریقا را درنوردیدند. در سال ۱۴۸۸ دماغه امید نیک را پیمود در سال ۱۴۹۸ واسکو دو گاما به هند رسید.

پرتغالی‌ها اولین استعمارگرانی بودند که از غرب اروپا به خلیج فارس وارد شدند و آلبوکرک دریانورد پرتغالی در سال ۱۵۰۷ نرسای هرمز را اشغال نمود. از سال ۱۵۰۷ تا ۱۶۲۲ پرتغالی‌ها در خلیج فارس به تجارت مشغول بودند اما به تدریج بر جمعیت و حوزه کاری خود افزودند و در خلیج فارس استحکامات نظامی ایجاد کردند و بدنبال آن کاتولیک‌ها روانه خلیج فارس شدند. آن‌ها در سال ۱۵۱۵ م. نظر موافق شاه عباس را برای در اختیار گرفتن هرمز کسب کردند و در قرارداد میناب ۱۵۲۳ م. این توافق رسمی شد؛ و قرار شد بحرین و قطیف سواحل شمالی عربستان در اختیار ایران قرار گیرد. در سال ۱۵۲۱ به دلیل مخالفت بحرین با حاکم هرمز، بحرین به تصرف پرتغال درآمد اما ایرانی‌ها آن‌ها را از بحرین بیرون کردند. پرتغالی‌ها از قدرت صفوی‌ها در بصره نگران بودند و علی‌رغم روابط تجاری با بصره جرات ورود و ایجاد پایگاه در بصره را پیدا نکردند و در عوض به هرمز و کمبرون (بندرعباس) توجه نشان دادند.

پادشاه پرتغال مانوئل یکم خود را امپراتور پرتغال- شرق آفریقا- و پارس می‌دانست. پرتغالی‌ها سراسر شرق آفریقا تا مالاگرا در تصرف داشتند و حتی بخشی از هند و چین را نیز در اختیار داشتند و بزرگترین امپراتوری قرن شانزدهم جهان بودند. پرتغالی‌ها می‌خواستند که بر تجارت آفریقا و آسیا سلطه داشته باشند آن‌ها سال ۱۵۰۷ سکوترا را تصرف کردند و سپس هرمز را در اختیار گرفتند.

۷- اشغال جزایر ازسوی استعمار انگلیس

جزایر تنب بزرگ و کوچک از سال ۱۳۳۰ تا ۱۵۰۷ میلادی تحت سلطه ملوک هرمز بوده تا اینکه در سال ۱۵۰۷ پرتغالی‌ها این جزایر را اشغال کردند. پرتغالی‌ها این جزایر را تا سال ۱۶۲۲ به اشغال خود درآورده بودند تا اینکه توسط شاه عباس اول از این جزایر بیرون رانده شدند. این جزایر از سال ۱۶۲۲ تا ۱۹۲۱ بخشی از پادشاهی‌های مختلف ایرانی بودند. این جزایر در ۷ ژوئن ۱۹۲۱ توسط امپراتوری بریتانیا اشغال شدند و کنترل آنها به امارت شارجه واگذار شد. در سال ۱۹۷۱، اندکی قبل از پایان قیمومیت بریتانیا و تشکیل کشور امارات متحده عربی، ایران توافقنامه‌ای را امضا کرد که به موجب آن دو دولت ایران و امارت شارجه جزیره ابوموسی را به‌طور مشترک اداره خواهند کرد، و به همین دلیل ایران کنترل بخشی از جزیره ابوموسی را به دست گرفت. ایران و شارجه یک تفاهم نامه امضا کردند. براساس نقشه پیوست شده در پانویس تفاهم نامه، ایران و شارجه موافقت کردند تا شارجه یک پاسگاه پلیس محلی داشته باشد و ایران نیز بتواند نیروهایی را در این جزیره مستقر کند. بر اساس این تفاهم نامه ایران و شارجه در مناطق تحت تصرف خود صلاحیت‌های کامل دارند و پرچم ایران در آن جا برافراشته خواهد بود. همچنین پرچم شارجه نیز فقط در بالای ایستگاه پلیس برافراشته خواهد شد. نیمی از درآمدهای نفتی جزیره ابوموسی به‌طور مستقیم به ایران و نیم دیگر به شارجه پرداخت خواهد گردید. در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱، ایران کنترل جزایر مذکور را به دست گرفت.

جزایر سه‌گانه در دوره‌های تاریخی

پیش از اسلام

گزارش‌های تاریخی یونانیان و رومی‌ها و سفرنامه‌های آن دوران حکایت از فارسی بودن ساکنان تمام سواحل و جزایر خلیج فارس دارند. اسناد و سنگ نبشته هخامنشی که در جزیره خارک کشف شد یک نمونه از این موارد است. کتیبه خط میخی خارک با اندازه ۲۰ در ۳۰ سانتیمتر بر روی سنگ مرجانی بومی جزیره نوشته شده است؛ و تاجی بر آن حک شده نشانگر حاکمیت و حضور مؤثر شاهنشاهی پارس بر جزایر دارد این کتیبه یگانه و بی‌نظیر در سال ۱۳۸۶ هنگام هموار سازی و ساخت جاده‌ای در جزیره خارک و به‌طور تصادفی پیدا شد.

در کنار کتیبه، آثاری از محل گردآوری آب شیرین و بازمانده‌های پلکان دسترسی به آن دیده می‌شود که امروزه خشک شده‌است. همچنین کتیبه در سایه یک درخت بزرگ «لایل» یا انجیر معابد قرار دارد. کتیبه از شش سطر تشکیل شده که دربردارنده شش واژه به خط و زبان فارسی

باستان متداول در عصر هخامنشی است در پیرامون صخره، نشان‌های میخی دیگر که گاه بسیار محو و ناخوانا هستند، دیده می‌شود. این سنگ نوشته خط میخی منحصر به فرد در اثر رها شدن آن بدون حفاظت توسط عوامل مرموز تخریب شد ولی با استفاده از تصاویر گرفته شده از آن چند خط بازخوانی شده است؛ که مربوط به حفر قنات و چاه آب است.

پس از اسلام

ابن حوقل، ابن فقیه و استخری تاریخ نویسان متفقاً می‌نویسند: این دریا که از سند و کرمان تا فارس ادامه دارد و به عبادان (آبادان) ختم می‌شود، در میان همه سرزمینها با نام فارس خوانده می‌شود زیرا مملکت فارس (ایران) از همه کشورها آبادتر، پیشرفته تر بوده و پادشاهان آن همه کرانه‌های دور و نزدیک این دریا را تحت کنترل خود دارند. به روزگار گذشته پادشاهان فارس بزرگتر و قویتر بوده‌اند و هم در این روزگار مردمان پارس بر همه سواحل و کرانه‌های این دریا مستولی اند" (حاکمیت دارند).

دوره صفویان

صفویان که پرتغالی‌ها را از خلیج فارس بیرون راندند، همه جزایر این دریا را به ایران بازگرداندند؛ و خلیج فارس تماماً یک دریای ایرانی شد؛ و تا سال ۱۸۵۰ روسیه و عثمانی‌ها و بریتانیا، ایران را صاحب تمام خلیج فارس می‌دانستند. (نقشه دوره عثمانی ۱۱۴۲ ق) افول قدرت صفویان در اوایل قرن دوازدهم سبب ایجاد آشفتگی در ایران شد. شیخ قاسمی کرانه‌های مُسندَم (شارجه)، در دهه ۱۱۰۰ با بهره گرفتن از این آشفتگی، به باسعیدو (در جزیره قشم) رفت. ۲۱ آوریل سال ۱۶۲۲ سپاه ایران جزیره هرمز را از بزرگترین امپراتور قرن باز پس گرفت و جایگاه خود را در جهان در فهرست ابرقدرت‌های قرن شانزدهم ثبت کرد. انگلیسی‌ها نیز ۴ کشتی خود را با خدمه فنی در اختیار ارتش امام قلی خان گذاشتند. اهمیت هرمز آنقدر بود که استعمارگران انگلیسی را نیز به طمع انداخته بود. سپاه ایران به دلیل شکایت‌های ایرانیان کمبرون (بندر عباس) تصمیم به اخراج پرتغالیها از خلیج فارس گرفتند و نه تنها جزیره هرمز را آزاد ساختند بلکه پرتغالی‌ها را تا مومباسا در کنیا مجبور به عقب‌نشینی کردند. این پیروزی مقدمه‌ای برای شکست‌های پی در پی پرتغال در شرق آفریقا شد و با حمایت شاه ایران، امام مسقط موفق شد قلعه عظیم مامباسا را در جنگ خونینی که به جنگ صلیبی مامباسا معروف است را تصرف کند. ایران تا سال ۱۸۲۰ پرچم دار تمام خلیج فارس و دریای عمان و بحر فارس شد. بریتانیا که از شکست پرتغال خرسند بود حاکمیت ایران را بر کل خلیج فارس به رسمیت شناخت.

دوره‌های افشاریه و زندیه

نادرشاه افشار عرب‌های مسندم (شامل دویی، شارجه، رأس الخیمه، ام القوین، عجمان و فجیره کنونی) را برجای خود نشاند، ولی مرگ وی آشفتگی را به ایران بازگرداند. کریم خان زند قبایل عرب ساکن در کرانه‌های شمالی خلیج فارس را سرکوب کرد و اقتدار ایران را در کرانه‌های ایرانی شمال خلیج فارس برقرار کرد. (در این دوران بود که شاخه‌ای از قواسم (جواسم) مُسندَم، در بندر

لنگه ساکن شدند و توانستند با قبول تابعیت ایران مقام ضابطی بندر لنگه و توابع آن را از کریم خان زند بگیرند. در سراسر دوران صفویه و زندیه و قاجاریه، فرمانداری بندر لنگه شامل بندرهای کنگ، لافت، چارک و جزایر قشم، کیش، تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی، سیری / سزی، فارور و نیبو فارور می‌شد.

دوره قاجار

در نظام حکومتی ایالتی آن دوران، که به نظام «ممالک محروسه» ایران معروف بود، فرمانداری و حکومت بر ولایات ایران چه این ولایات به صورت خودمختار و تحت فرمان حاکمان محلی اداره می‌شدند چه حکومت مرکزی فرماندار آن را تعیین می‌کرد، حق مالکیت و حاکمیت مستقلی برای فرمانداران محسوب نمی‌شد چنان‌که پیش از فرمانداری عرب‌های قاسمی در بندرلنگه، شماری از فرمانداران ایرانی آنجا را اداره می‌کردند و پس از عزل قاسمیان در ۱۲۶۶، تعدادی از فرمانداران ایرانی اداره امور بندرلنگه و توابع آن را بر عهده گرفتند. در ۱۸۲۰ که بریتانیا شیوخ قاسمی ساحل جنوبی خلیج فارس را که به راهزنی دریایی می‌پرداختند سرکوب کرد، قصد داشت قواسم لنگه را نیز مورد تعرض قرار دهد اما ایران با این استدلال که آن‌ها تابع ایران هستند و دزدی دریایی نمی‌کنند و اگر هم کردند دولت ایران آنان را سرکوب خواهد کرد با آن مخالفت کردند. بر اساس همین واقعیت جغرافیایی بود که از ۱۲۵۶ تا ۱۲۶۵/دهه ۱۸۴۰، که بریتانیا در خلیج فارس، اقتدار می‌یافت و جزایر خلیج فارس را به حاکمیت‌های عربی تحت‌الحمایه خود تبدیل می‌کرد، میرزا آقاسی، صدراعظم وقت ایران، در اطلاعیه‌ای و پانویسی به بریتانیا همه جزایر خلیج فارس را متعلق به ایران اعلام کرد.

از اواخر عهد قاجار تا ۱۳۱۶، تقسیمات کشوری تغییر یافت و نظام سیاسی - اداری تازه‌ای به وجود آمد. بر اساس این نظام جدید، ایران به ۲۷ ایالت تقسیم شد. ایالت بیست و ششم، شامل جزایر و بندرهای خلیج فارس می‌شد و بندر لنگه و توابع آن، ولایت ویژه آن ایالت به‌شمار می‌آمدند.

جزایر سه‌گانه در دوره پهلوی

در سال ۱۳۴۱ جزیره سیری بدون سر و صدا به ایران بازگشت. در دوره پهلوی درخواست ایران برای حاکمیت بر جزایر سه‌گانه و بهره‌برداری از خاک سرخ بوموسی همواره مطرح بوده است. تا اینکه موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس میان ایران و چندی از امیران عرب از سال ۱۳۴۵ خورشیدی با تضعیف موقعیت نیروهای انگلیسی در این جزایر (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) به اوج خود رسید و در سال ۱۹۷۱ و ورود نیروهای نظامی ایران در همان سال به این سه جزیره بر اساس توافقات صورت گرفته میان دو کشور مرحله دیگری آغاز شد.

عملیات نظامی باز پس گیری جزایر

در سپیده‌دم تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱، هلیکوپترهای ایران بر فراز جزیره تنب بزرگ به پرواز درآمدند و جزوه‌هایی را که به زبان فارسی نوشته شده بود، رها کردند که از ساکنان جزیره که بیشتر کشاورز و ماهیگیر بودند، می‌خواست تسلیم شوند. در تنب بزرگ و کوچک، حاکم راس الخیمه صقر بن محمد القاسمی، که با ایران توافق‌نامه‌ای امضا نکرده بود، در برابر نیروهای ایرانی که به جزایر تنب بزرگ و کوچک اعزام شده بودند، مقاومت کرد.

ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱، یک گروه از نیروهای مسلح ایران با حمایت نیروی دریایی شاهنشاهی جزایر تنب بزرگ و کوچک را تصرف کردند. در تنب بزرگ، نیروهای ایرانی به پلیس‌های مستقر در جزیره دستور پایین آوردن پرچم راس الخیمه را دادند. سالم سهیل بن خمیس، یکی از شش پلیس مستقر در این ایستگاه، حاضر به انجام این کار نشد و با نیروهای ایرانی درگیر و کشته شد. پلیس راس الخیمه در تنب بزرگ با نیروهای ایرانی درگیر شد و در نتیجه درگیری، چهار پلیس راس الخیمه و سه نفر از ارتش ایران کشته شدند.

در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱، یک گروه از سربازان ایرانی وارد جزیره ابوموسی شدند تا بتوانند بخش‌هایی را که در تفاهم‌نامه با شارجه مشخص شده بود تصرف کنند. عملیات فتح ابوموسی به فرماندهی فرمانده نیروی دریایی رهبری شد که با استقبال و پذیرایی از طرف برادر امیر شارجه و برخی از دستیاران وی مواجه شد. حاکم شارجه مجبور شد با مذاکره موافقت کند زیرا او به غیر از این گزینه هیچ راه حل دیگری نداشت. او برای دو موضوع مذاکره کرد اول برای تداوم کنترل بر بخش باقی‌مانده [در دست امارت شارجه] جزیره و موضوع دوم که مطلوب امیر شارجه و بر موضوع اول ترجیح داشت کنترل مجدد بر بخش دیگر جزیره [در دست ایران] بود.

در جریان اعاده حاکمیت ایران بر جزایر، همان‌گونه که گفته شد سه تن از نیروهای ایران (سروان رضا سوزنچی، مهنای حبیب سلکی کهریری و ناوی آیت‌الله خانی) به دلیل ناهماهنگی میان شیخ شارجه با پلیس بومی جزیره تنب بزرگ کشته شدند. این درحالی بود که ورود نیروهای ایرانی به جزایر از قبل با شیوخ شارجه و راس الخیمه هماهنگ شده بود و شیخ شارجه، برادر خود محمد القاسمی (امیر کنونی شارجه) را به استقبال نیروهای ایران فرستاده بود.

در همان روز امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران رسماً خبر تصرف جزایر تنب بزرگ و کوچک و بخشی از جزیره ابوموسی را اعلام کرد و اظهار داشت که پرچم ایران بر فراز کوه حلوا، مرتفع‌ترین نقطه جزیره ابوموسی برافراشته شده است. وی گفت: به دنبال مذاکرات طولانی با دولت انگلستان، حاکمیت ایران بر جزایر اعاده شد. وی سپس اظهار داشت دولت شاهنشاهی ایران به هیچ وجه از حق سلطه و حاکمیت خود بر سراسر جزیره ابوموسی صرف‌نظر نکرده و نخواهد کرد و بنابراین حضور مأمورین محلی در قسمتی از جزیره ابوموسی نباید به هیچ عنوان منافی یا متناقض با این سیاست اعلام شده تعبیر و تلقی شود.

روزی که ایران جزایر را از بریتانیا تحویل گرفت «سی ام نوامبر ۱۹۷۱» دو روز قبل از تأسیس کشور امارات متحده عربی بود. این اختلافات بر روابط ایران با کشورهای عربی و جنگ ایران و عراق اثرگذار بوده است.

قذافی رهبر لیبی اعلام کرد به تلافی «اشغال» این جزایر از سوی ایران کمکهای مالی لازم را به شورشیان (انقلابیون) سال ۵۷ تا سرنگونی شاه ادامه خواهد داد.

دیدار از جزایر سه گانه

پس از آنکه به کوشش و پیگیری خستگی ناپذیر شاهنشاه و رویا رویی با انگلستان و اعراب ساحل جنوبی خلیج فارس ، جزایر سه گانه پس از ۷۰ سال به ایران بازگشت که خود به انگیزه اهمیت استراتژی این سه جزیره یکی از آرمانهای ایران گرایانه و ناسیونالیستی پادشاه بود نظارت برای پیشرفت طرح ها و برنامه های اقتصادی اجتماعی این سه جزیره را در دستور کار خود قرار دادند. چون پس از مدتی از پیشرفت کار به وسیله دولت خشنود نبودند علیا حضرت شهبانوی ایران را با اختیار کامل به سرپرستی و پیگیری طرح ها منصوب فرمودند. از آنجا که بر اساس تقسیمات کشوری این سه جزیره همراه با جزایر دیگر یکی از شهرستانهای استان هرمزگان بود، در وزارت کشور در سال ۱۳۵۶ که افتخار خدمتگزاری آنرا داشتم مدیر کلی برای اجرای دستورات علیا حضرت به نام مهندس اسماعیل کارگر شهردار پیشین شیراز برگزیده شد که هفته ای سه روز از راه بندرعباس به جزایر پرورد. علیاحضرت شهبانو برای آشنایی نزدیک با جزایر ابلاغ فرمودند که در خدمتشان به این جزایر سفر کنیم. با هواپیمای دولت به بندرعباس رفته و از آنجا با هلیکوپتر نیروی دریای شاهنشاهی وارد جزیره ابوموسی شدیم. امیر شارجه به دست بوسی علیا حضرت نائل آمد. نخستین عاملی که موجب غرور و سر فرازی بود پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران بود که بر فراز بانک ملی و تنها مدرسه ای که به وسیله ایران برپا شده بود با افتخار در اهتزاز بود. پس از آنکه علیا حضرت به درخواست های امیر شارجه و مدیر مدرسه ایرانی با حوصله و دقت زیاد گوش دادند و قول و قرارهای مالی گذاشتند از دستگاههای عظیم آب شیرین کن بازدید فرموده و تیمسار سپهبد ریاحی وزیر کشاورزی سابق که مسئول شیلات جنوب بودند را مورد تفقد ویژه قرار دادند. سپس با هلیکوپتر برای آشنایی با جزیره ابوموسی و دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک به به پرواز در آمدیم. پرچم برافراشته ایران در بالاترین ارتفاع کوه حلوا اشک شوق را در چشمان علیاحضرت ، سرگرد خلبان هلی کوپتر و من جاری کرد. هلیکوپتر در ارتفاع خیلی کم در حرکت بود که بتوانیم تاسیسات دفاعی نظامی ایران در تنب بزرگ را که از سوی نیروی دریایی شاهنشاهی اداره می شد از نزدیک ببینیم. تنب کوچک جزیره سنگی بشکل هرم و غیر قابل سکونت بود.

پس از بازگشت به تهران دستورات علیا حضرت برای تامین منابع مالی به دولت ابلاغ و آقای مهندس اسماعیل کارگر مامور پیگیری شد.

لازم به یادآوری است که شیخ نشین های امارات متحده عربی از جمله خود امیر ابوظبی که در واقع فرد اول امارات و نخست وزیر است برای شرفیابی حضور پادشاه باید حد اقل از ۳ ماه پیش وقت شرفیابی میگرفت. یکی دو تن از این شیخ نشین ها با اصرار درخواست تابعیت ایران و دریافت گذرنامه ایرانی را داشتند.

اسداله نصر اصفهانی

۲۵ دیماه ۲۵۸۱ شاهنشاهی

۱۴۰۱ خورشیدی

برابر ۱۵ ژانویه ۲۰۲۳